

قای شیرازی

بقلم آقای حاج میرزا یحیی دولت آبادی

تأیید محترم مجلس شورای ملی

شاعر شهیر و دانشمند معظم میرزا حبیب شیرازی خلف میرزا محمد علی گلشن در شیراز متولد شده از سنه ۱۲۲۲ تا یک هزار و دوست و هفتاد هجری زندگانی مینموده در طهران وفات یافته و در زاویه مقدسه مدفون است. قای در شیراز شروع بتحصیل کرده و در خراسان و دیگر ولایات ایران بتکمیل تحصیلات خود پرداخته در علوم ادبیه و عقلیه و نقلیه تا آن حد و بدان ترتیب که معمول زمان بوده است ممارست نموده و بهره وافر برده بحدی که جنبه شاعریش با عظمتی که دارد دوت مرتبه سایر فضایل او شمرده میشود.

قای را سر شاری طبع خلوت ذوق روشنی قریحه بلندی و آزادی فکر بعلاوه لزوم معیشت بر آن داشته که باقتضای زمان در بازار کسب معاش کلای شاعری را بالای دکه معلومات خود نهاده آنرا بیشتر در برابر دیده خریداران بیآورد چه حکیم معظم تنها باین وسیله میتوانسته است خود را باریاب ثروت و نفوذ از رجال دولت و اعیان و اشراف مملکت و بالاخره بدر بار سلطنت نزدیک نموده باسایش خاطر زندگانی نماید.

اگرچه قای در مدارس ادبیه نزد آموزگاران بزرگ در آموختن آنچه شاعران را بکار آید دقیقه فرو گذار نکرده است ولی با تتبع در آثار فکری و ادبی او معلوم میگردد که در دبستان فرهنگ قای او آموزگار طبع غرّا و هوش و ذکاوت جلی است که با کمی اسباب او را تابعه عصر خود ساخته گاهی حسان العجم میشده و گاهی مجتهد الشعرا میگرددیده است

قآنی زبان ترکی و عربی را نیکو میدانسته و در سایه مختصر روشنائی آن عصر که از جانب مغرب گاهی بدر و دیوار در بارطهران تابش مینموده و باین نکنه بی میبرده اند که دانستن یکی از زبانهای اروپائی کلید در کنجینه های علوم و صنایع است زبان فرانسه را نیز آموخته و بر فضائل خودافزوده است .

چیزی که در آثار این شاعر شهیر امروز بذهن ارباب ذوق سلیم میزند همانا مدیحه سرائیهای بی موقع و تملق گوئیهای بی جاست که در آن دیوان بزرگ و زین دیده میشود ولی باید دانست که مدیحه سرائی و مزاجگوئی آمیخته بمبالغه در مدح و ثنا شیوه دیرینه شعرای ما است این شیوه از کجا شروع شده و چرا باین شدت رواج یافته اینجا جای نگارش نیست بجز این مختصر که شروع این رویه ناپسند از سیاست پسندیده ترویج زبان فارسی و علتش کسب معیشت بوده است که ممدوحین از مدح و ثنا و تملق سرائیها بهره میبرده اند همان اندازه یا بیشتر از آنکه مدیحه گوینان از سیم و زر آنها بهره برده باشند چنانکه لامعی جرجانی گوید

منم آن لامعی شاعر کرم من بمدیح شادکام آنکه بسیم وزر ازوشادم من
هرقدر شعرا بیشتر متوقع بوده اند که صله آنها بر زیادت گردد بمبالغه نمودن و باغراق گفتن میفرزوده اند هفت گنبد گردون را زیر پای قزل ارسلان مینهادند و ماه يك شبه را نعل سمند شاه جهان میخوانده اند که آسمان هر ماه نو از روی افتخار بر فرق خود میگذارد قآنی هم در این فن پیروی پیشینیان را نموده و بلکه از بسیاری از آنها پیشی گرفته است و آنچه امروز بذهن ما میزند آرزو مطبوع طبع ارباب ذوق و ادب بوده است خصوصاً که ستمکاران و بدکرداران از ممدوحین شعراء تصور میکردند اند مدح و ثنای خریداری شده میتواند

ساز زشتی کردار و ناپسندی رفتار آنها بوده باشد بدیهی است که در پرتو نور علم و دانش نه آن شبهه برای مدوحین و آن شیوه برای مادحین باقی خواهد ماند.

پس اگر قاآنی باقتضای زمان در مدح و ثنای پادشاهان و شاهزادگان و اعیان و اشراف مملکت و در مبالغه گوئیها داد سخن داده است این تقصیر را نمیتوان بنامه در نامه عمل شاعر نوشت بلکه آنچه او میپروورانیده است در حقیقت همان قافیه‌ها است و آنچه یدش از آنها آمده از مذاق و مشرب شاعر حکایت نمیکند و ناشی از طبع تملق درست و تملق سرای زمان بوده است که مانند گرد و غبار غلیظ بر روی آینه طبع نورانی شاعر پیوسته می‌نشیند و ناچار بوده است آنها را بکار برده روزگار زندگانی خود را ادامه داده باشد.

بدیهی است که در هر عصر و زمان شعراء و ادبائی که به پیرامون مدیحه سرائی بیجا نمیگشته سرمایه طبع خود را تنها بمصرف نشر آثار علمی و ادبی اخلاقی و اجتماعی می‌رسانیده و اگر مدح و ثنائی میگفته‌اند در باره یدشویان دین مبین بوده است و بس و هم بوده‌اند اشخاصی که هر دو کار را انجام داده وظیفه وجدانی را ادا و بوسیله طبع موزون خود تحصیل معاش مینموده‌اند قاآنی از این اشخاص بوده و در هر دو کار بر بسیاری از پیشینیان خود سبق جسته است.

قاآنی در اقسام شعر در قصیده سرائی و مسمط سازی ید طولائی داشته قصیده‌های طولائی مانند آب روان از سرچشمه طبع سرشار او جاری می‌گشتند و دارای قوه حافظه بوده است که میتواند ضرب‌المثل بوده باشد یکی از معاشرین او میرزا ابراهیم ساغر اصفهانی که در هزاره سیم و در هجری از دنیا رفت بنکارنده میگفت صبح نوروزی بود بختانه حکیم رقم تا با اتفاق او بدیدن سلطان‌الممالک و امام‌جمعه اصفهان رفته

باشیم چون از خانه در آمد گفت شاید مناسب شود که شعری هم بخوانیم در صورتیکه چیزی حاضر ندارم آیا قصیده‌داری گفتم آری از انوری گفت يك يك قافیه های آنرا بگو قافیه را میگفتم کمی اندیشه میکرد و میگفت بگو قافیه دیگر میگفتم تا رسیدیم بمسجد جامع که نزدیک خانه ممدوح است بر در مسجد نشست و تمام قصیده را بر نوشته با خود برد در مجلس عام خواند این است قدرت طبع و میزان حافظه کم نظیر شاعر شهیر ما قآنی با وجود قدرتی که در پروراندن معانی بدیعه داشته است در تنظیم الفاظ و ترصیع و تردیف آنها و هرگونه محسنات لفظی که بتصور در آید قدرتی بخرج میداده که در آثار ادبی گذشتگان مثل و مانند آن کیاب است و بجزئیّت میتوان گفت قآنی در میان شعرای ایران از سلف و خلف بکه تاز میدان الفاظ است

بگردون تیر ابری بامدادان بر شد از دریا

جواهر ریز و گوهر ریز و گوهر بیز و گوهر زرا

اگر شخص بی اطلاعی با آثار ادبی این شاعر نظر کند او را شخصی دارای اخلاق نکوهیده و عملیات ناپسندیده تصور مینماید و کان میکند او تمام وقت خود را بلهه و لعب و عیش و طرب میگذرانیده است در صورتیکه از معاشرین او غیر از این شنیده شده است و اگر بواسطه معاشرت با درباریان فاسد العمل و با باقتضای طبیعت گاهی مختصر ارتکابی داشته بجدی نبوده است که بتوان اینگونه نسبتها را باوداد و تفننهای زندگانی او در برابر اخلاق حمیده و صفات پسندیده که دارا بوده است چیزی شمرده نمیشود و خود گوید

شعرا را بود این قاعده از رسم قدیم

که سخن از می و معشوق در اشعار اقتد

قآنی دارای قلب سلیم و طبع کریم خوش محاوره و بی نهایت مهربان بوده همه وقت بشاش و خندان چنانکه آثار وجد و سرور از بیشتر

آثار ادبی او هویداست و از غمگینی و حزن انگیزها که شعار آثار فکری و ادبی ما میباشد در آثار این شاعر بسیار کم است و این یکی از خصایص او شمرده میشود چنانکه گوید

الا چه سالها که من می‌وندیم داشتم چو سال تازه میشدی می‌قدم داشتم
پیاله‌ها و جامها ززر رسیم داشتم دل جوادرهنر کف کریم داشتم
چه خوش بنواز و نعمتم گذشت روزگارها

قاآنی در سبک شاعری در عین آنکه از متقدمین پیروی مینموده و میخواست است هر کس هر چه گفته او بهتر و بالا ترش را بگوید باز برای خود سبک مخصوصی اختیار کرده که شباهت بسبکهای دیگران ندارد و میتواند حدس زد که بعد از آشنا شدن قاآنی بیک زبان اروپائی بهتر موفق شده باشد سبک مختص خود را برنگ آمیزهای تازه بیاراید در این صورت میتوان گفت قاآنی فاتح سبک جدید و خاتم سبکهای قدیم است و میتوانیم شروع بانقلاب ادبی را در قرن نوزدهم را از قاآنی بدانیم باین معنی که دفتر طرزهای گذشته را قاآنی در هم پیچیده و از دفتر جدید باقتضای روشنائی عصر خود ورقی چند زده باشد نهایت آنکه نه محیط افکار عمومی اقتضا داشته که شاعر زیر دست ما قدمهای سریعتری بجانب انقلاب ادبی بردارد و نه راه روشن همواری در برابر خود می‌دیده که مرحله هائی از آن را ببیناید.

بلجمله با دقت نظر در آثار ادبی این شاعر بلند مرتبه و مقایسه با آثار ادبی همقدران او در زمانهای گذشته بما ثابت میکنند که در تنظیم الفاظ و پرورش معانی در نکته سنجیهای با لطافت و در ایجازهای مطلوب و مؤثر بودن بیان در گوش و قلب شنونده در دیوان این شاعر آثاری دیده میشود که بافکار جدید بعد از قاآنی بیش تر شباهت دارد تا با آثار و افکار پیش از زمان او در این صورت جای افسوس است که این شاعر قوی الاراده با این طبع بلند سرشار و با این درجه از معلومات و فضائل